

کارآگاه اشتودر

حکمرانی ماتو

فریدریش کلاوزر

ترجمة کتابون سلطانی

انتشارات هیلا

تهران، ۱۴۰۲

سروشنامه: گلاوزر، فریدریش، ۱۸۹۶-۱۹۳۸ م. Glauser, Friedrich, 1896-1938
عنوان و نام پدیدآور: کارآگاه اشتودز: حکمرانی ماتو/ فریدریش گلاوزر؛ ترجمه کتابون سلطانی.
مشخصات نشر: تهران: هیلا، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۳۳۵ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۶۶۲-۶۶۶۲-۳۶-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Matto regiert: Kriminalroman, 1989.
عنوان دیگر: حکمرانی ماتو.
موضوع: داستان‌های آلمانی -- قرن ۲۰ م.
German fiction -- 20th century
شناسه افزوده: سلطانی، کتابون، ۱۳۳۵، -، مترجم
رده‌بندی کنگره: PT۲۶۸۰
رده‌بندی دیویی: ۸۳۳/۹۱۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۱۳۸۸۳۹

این رمان ترجمه‌ای است از:

Matto regiert

Friedrich Glauser



تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید،

کرجه مبین، شماره ۴، تلفن ۵۸۵۲ ۴۰ ۶۶

فریدریش، آماده‌سازی و امور فنی:

محریریه انتشارات ققنوس

فریدریش گلاوزر

کارآگاه اشتودر

حکمرانی ماتو

ترجمه کتابیون سلطانی

چاپ اول

۲۷۵ نسخه

۱۴۰۲

چاپ پاد -

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹ - ۳۶ - ۶۶۶۲ - ۶۲۲ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 622 - 6662 - 36 - 9

www.hilla.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۲۱۰۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیشگفتار ضروری
۹	کودکی تباه‌شده
۱۹	نان و نمک
۳۵	صحنه جرم و تالار ضیافت
۴۷	عالیجناب سفید
۵۹	سالن مراقبت بخش ن
۷۱	ماتو و گیلگینِ موسرخ
۸۳	یک وعده ناهار
۹۵	جناب رئیس، مرحوم اولریش بُرستلی
۱۰۷	میان‌پرده‌ای کوتاه، در سه بخش
۱۲۳	نامبرده، پیتِرلِن
۱۵۵	ارزیابی‌ها

۱۶۳	گفتگوی با نگهبان شب، بونین بلوشت
۱۷۵	اولین تلاش اشتودر در روان‌درمانی
۱۸۵	کیف پول
۱۹۹	دو معضل کوچک
۲۰۹	اشتودر بر سر دوراهی
۲۲۱	لیب اوندگوت
۲۲۷	دستبرد
۲۴۵	همکاران
۲۶۳	مائو ظاهر می‌شود
۲۷۷	سایه‌بازی روز یکشنبه
۲۸۷	تئاتر عروسکی مائو
۲۹۳	ضرب‌المثل چینی
۳۰۳	هفت دقیقه
۳۱۱	چهل و پنج دقیقه
۳۲۷	سرود تنهایی

پیشگفتار ضروری

تعریف کردن داستانی که در پاریس، لندن یا نیویورک اتفاق می افتد کار خطرناکی نیست. ولی تعریف کردن داستانی که در یکی از شهرهای سویس روی دهد خطرناک است. یک بار برایم اتفاق افتاد که یکی از داستان‌هایم به شدت مورد اعتراض باشگاه فوتبال رینترتور قرار گرفت، چون در آن داستان یک هافبک هم حضور داشت. بعد مجبور شدم به این دار و دسته و همقطاران‌شان اطمینان بدهم که منظورم آن‌ها نبوده‌اند. از این خطرناک‌تر، به قلم آوردن داستانی است که در آسایشگاهی روانی در برن اتفاق می افتد. از حالا می دانم که سیلاب اعتراض به سویم جاری خواهد شد. برای همین از ابتدا تأکید می کنم، در ایالت برن سه آسایشگاه روانی وجود دارد: والد، مونزینگن، بِللی. آسایشگاه رانسلینگن بنده نه مونزینگن است، نه والد و نه بِللی. همه شخصیت‌هایی که در آن ظاهر می شوند ساختگی‌اند. رمان من رمانی نیست که بر اساس داستانی واقعی نوشته شده باشد.

هر داستانی باید در جایی اتفاق بیفتد. داستان من در برن اتفاق می افتد، در یک آسایشگاه روانی. از این گذشته ... ما دیگر حق داستان نوشتن که باید داشته باشیم!